



زین العابدین قربانی

نظری با اعلامیه حقوق بشر

(۲۷)

ماده شانزدهم اعلامیه حقوق بشر میگوید: «هر زن و مرد بالنی حق دارند؛ بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت، یا مذهب؛ باهمدیگر زناشوئی کنند و تشکیل خانواده دهند.

در تمام مدت زناشوئی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر: در کلیه امور مربوط با ازدواج، دارای حقوق مساوی میباشند.»

اما اسلام...؟

آی باطلاق بکلی باید ممنوع شود؟!!

* ارباب کلیسا چه میگویند؟!!

* در اینگونه موارد چه باید کرد؟

* حیل‌های شرعی!

* و بالاخره تسلیم شدند!

در شماره گذشته تذکر دادیم که: طلاق در میان تمام ملل و ادیان بزرگ عالم، امری

جائز و معمول بوده است.

در آئین هند و، در ایران باستان؛ در رم و یونان، در قوانین حامورابی، در آئین

یهود... نه تنها طلاق مجاز و معمول بوده بلکه در بعضی موارد، مانند: نازا بودن زن، ارتکاب، عمل منافی عفت، اشتغال او بجد و گری، پنهان داشتن او ایام عادت و قاعدگی خود را از شوهر. . . انحلال پیوند زناشویی امری ضروری و لازم، بوده است (۱).

تنها آئینی که طلاق را بطور کلی جز در صورت زنا حرام کرده آئین فعلی مسیحیت است، طبق مضامین برخی از آیات اناجیل تحریف شده کنونی، جز مرگ هیچ عامل دیگری نمیتواند پیوند زناشویی را بگسلد و بین زن و مرد، ایجاد تفرقه و جدائی نماید! (۲)

ارباب کلیسا برای تصحیح و تثبیت این حکم (ممنوعیت طلاق) بدست و پا افتاده و چنین می - گویند: از آنجا که انحلال پیوند زناشویی لطمه جبران ناپذیری بکانون خانواده وارد میسازد و مضار و مفاسد غیر قابل انکاری بدنیال دارد؛ از اینجهت علوم روانشناسی، جامعه شناسی و اخلاق، همانند آئین مسیح آنرا محکوم مینمایند!

ولذا مذاهب و از آن جمله اسلام، که طلاق را جائز شمرده مورد نکوهش و انتقاد شدید آنها قرار گرفته؛ جواز آنرا از معایب و نواقص این آئین مقدس بشمار آورده اند!

در اینگونه موارد چه باید کرد؟

پیش از همه چیز توجه باین نکته ضروریست که: بهترین و شایسته ترین قانون آنست که با واقع زندگی تطبیق کند و عمل کردن بر طبق آن، مقدور و عواقب سوء و گرفتاری در پیش نداشته باشد.

روی این حساب، هرگاه زن و شوهری در اثر عوامل مخلف تربیتی، اخلاقی، فکری و غیره باهم اختلاف شدید و آشنی ناپذیری پیدا کنند، بطوریکه سازگاری و ادامه زندگی برای آنان مقدور نباشد،

و یا تنها زن و یا شوهری نسبت بهم سرش یک چنین حالت نفرت و انزجار پیدا کند که بهیچ وجه نتواند با او ادامه زندگی دهد؛ آیا در اینگونه حالات و موارد؛ چه باید کرد؟

آیا دست زن و شوهر را از راه ممنوعیت طلاق؛ باید بکلی بست تا چنین خانواده ای یک عمر در آتش اختلاف و ناراحتی روحی بسوزند، و یا برای ارضاء خاطر خود، روابط نامشروع آغاز سازند، و یا دست بانتحار و خودکشی بزنند؟!

و یا آنکه روزی نمیدی باید بسوی آنها گشود تا هر کدام از آنها بتوانند در صورت ضرورت پیوند زناشویی را گسسته، پی کار خود بروند و از آن جهنم سوزان خلاص شده و با هر کسیکه مایلند

(۱) زن از نظر حقوق اسلامی ص ۱۳۱

(۲) انجیل متی باب ۵ آیه ۳۱ باب ۱۹ آیه ۳ - ۱۹ انجیل لوقا باب ۱۶ آیه ۱۸

طبق قانون ، روابط زناشویی برقرار سازند ؟

آیا عقل چه میگوید ؟ طلاق ، یا ممنوعیت و یک عمر در آتش ناگهی و اختلاف و ناراحتی روحی سوختن ؟
فکر نمیکنم ، هیچ آدم عاقلی ، جواز بلکه لزوم گسستن پیوند زناشویی را در اینگونه موارد انکار نماید

گرچه درست است که طلاق از نظر روانی و اخلاقی و اجتماعی نکوهیده و زشت است و مفاسد فراوانی بدنبال دارد ، ولی هر گاه مفاسد انحلال پیوند زناشویی را با ابقاء آن در مثل موارد زیاد شده که بطور کلی سازش و ادامه زندگی بین زن و شوهر ؛ ممکن نیست ، بسنجیم نه تنها مفاسد ابقاء پیوند زناشویی از انحلال آن بیشتر است بلکه میتوان گفت که ابقاء آن اساساً فساد انگیز و زیان بخش است .

روی همین جهت است که «ولتر» (۱) نویسنده دانشمند معروف فرانسوی در مقام بیان اینکه طلاق يك امر طبیعی برای جوامع بشری است و بایستی در میان قوانین مدنی وجود داشته باشد ، اینطور مینویسد : «ازدواج و طلاق تقریباً با هم پدید آمده اند جز اینکه ازدواج چند هفته پیش از طلاق با بعرصه گیتی نهاده است یعنی مرد در هفته دوم با عیاش مناقشه و هفته سوم زد و خورد میکند و در هفته چهارم او را طلاق میگوید » (۲) .

و نویسنده دیگری در کتاب «زن و آزادی» در این باره چنین مینویسد : «آرزوی هر ملت سعادت مندی اینست که عقد زناشویی تا روز مرگ گشوده نگردد ؛ ولی لازم است اندیشه کرد که صبر کردن با آمیزش با کسی که به هیچ وجه معاشرت با او ممکن نیست ، از قدرت بشر ، بیرون است» (۳) .

حیله های شرعی

مردم کشورهایی که تحت نفوذ کلیسا بسر میبردند ، برورایم تشخیص دادند که احکام مذهبی کلیسا نمیتواند نیازمندیهای آنان را رفع کند و قانون تحریم بی قید و شرط طلاق ، در باره همه کس و در همه جا قابل عمل نیست ، و لذا در گوشه و کنار ، سر و صدا علیه آن برخاست .

ارباب کلیسا برای خواباندن سروصدای اخلاطگران و در عین حال پیدا کردن يك راه حل صحیح ؛ قانونی بنام «احوال بطلان زناشویی» که در حقیقت يك حیله شرعی برای برهم خوردن ازدواج ؛ پیش نبوده (البته نه با اسم طلاق) تشریح نمودند ؛ بموجب این قانون ، هر گاه ثابت میشد که یکی از طرفین ازدواج ، هنگام انعقاد پیمان

(۱) Voltaire (۲) حقوق زن در اسلام و اروپا ص ۲۴۲

(۳) نقل از کتاب «زن از نظر حقوق اسلامی» ص ۱۳۲

زناشوئی ، مختار نبوده و یادر شناسائی یکدیگر اشتباه کرده و یامدعی میشود که طرف اوقادر به ایفای عمل زناشوئی نیست ؛ در اینگونه موارد ، پیمان زناشوئی قابل انحلال بود ، وگرنه نه !

طبیعی است ، از آنجا که راهی جر راه‌های یاد شده برای انحلال پیوند زناشوئی در آئین کلیسای پیش بینی نشده بود ؛ از اینجهت طرفین ازدواج که در آتش اختلاف و کشمکش داخلی میسوختند و راه نجاتی برای خود نمی یافتند ، بامواضع و تپانی قبلی ، در محکمه شرع ، یکی از راه‌های یاد شده را مورد استناد برای مشروعیت انحلال عقد ، قرار میدادند و از آنرا خود را خلاص میکردند !

و بالاخره تسلیم شدند !

ولی سختگیریهای ابتدائی و حیل‌های شرعی کلیسا هیچکدام نتوانستند نیازمندیهای شدید مردم را در مورد عدم امکان سازش بین زن و شوهر ؛ رفع نمایند ، کم کم موج نارضایتی و اظهار عقیده علیه قانون کلیسا ، گسترش پیدا کرد ، دولتها ناگزیر طلاق را برسمیت شناختند ولی اختیار آنرا بطور مساوی بدست زن و مرد دادند . و بر سر مردم آمد آنچه که نباید بیاید !

ولی دیری نپائید که مردم ثمرات تلخ این آزادی بدفرجام را نیز چشیدند ، و با افزایش سرسام آور طلاق ، کانون خانواده متزلزل و در خطر سقوط قرار گرفت !

دولتها و سرمداران سیاست نیز از این موضوع بو حشت افتاده در صدد جلوگیری و کنترل و محدود ساختن آن برآمدند ، تا جائیکه مطبوعات اخیراً نوشتند : « سال گذشته در فرانسه ۳۰۰۰۰ مورد طلاق ، پیش آمد و چون هر سال این رقم و بزیادی است ، فدراسیون خانواده‌های فرانسوی از دولت در خواست کرده است که قانون مخصوص ۱۹۴۱ را که در سال ۱۹۴۵ لغو شد ، دوباره اجرا کنند . مطابق مفاد این قانون ، طلاق در سه سال اول ازدواج ، مطلق و بهر عنوان ممنوع است این مقررات بادواستثنای زیر در انگلستان نیز عمل میشود : ۱ - خشونت و وحشیگری فوق العاده از طرف مرد . ۲ - خیانت و فساد بی اندازه از طرف زن ، (۱) و نیز جرائد از لندن گزارش دادند : « اخیراً در لندن گفته شد که طلاق زن و شوهرهایی که کودکان کمتر از ۱۶ سال دارند باید ممنوع شود » (۲) ولی آیا این مقدار محدودیت کافی است یا نه ؟ و آیا اسلام نظرش در باره طلاق چیست ؟ در شماره آینده .

(۱) خواندنیها شماره ۱۰۳ سال ۲۵

(۲) اطلاعات ۱۲ ر ۲۴۴